

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

دوم اگست ۲۰۱۶
تصحیح، تنظیم و شرح لغات: خ. معروفی

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۰۵

مُقَطَّعات

- ۶ -

بر حسب حال خود گوید

ای جهاننداری، که در پیش رواق حشمتت
رخش عزمت را قضا هم گوش و گردن همعنان
در بلاد غربتت^۱، گیتی فضای کوچک است
اینقدر دانم، که با حکم تو چون موم است، نرم
شهریار! حال من با قرض خواهان و عیال
گرچه بر من از عذاب قرض خواهان دوزخ است
چون وبال^۲ آتیر گشت از بار محنت، قامتم
پایگاه اولین، سطح سپهر^۱ اطلس است
جیش رزمت را ظفر در پیش و نصرت در پس است
در ریاض دولتت، طوبی نهال نوری است
گردن گردون گردان کز خشن در ابلس است
حال آن چیز است، که اطرافش همه پر کرگس است
خانه من از بلای لاشخوران، محبس است
گرچه پیش تیر کلکم تیر گردون^۲ افسوس است

^۱ "سپهر اطلس" مراد از آسمانی ست، که بر شانه های "اطلس" سوار است. "اطلس" کلمه عربی و مأخوذ از اساطیر یونانی ست، که نظر به آن "زنوس" بر اثر قهر بر رب انواع "اطلس" امر کرد، تا "آسمان" را بر شانه های خود حمل کند.
^۲ ب. عزم تو ممکن عزتت باشد

ای عجب گلهای امیدم° چرا پژمرده ماند؟ در گلستانی، کزان شاداب هر خار و خس است
خسروا! در کار من گر بوده اهمالی به کار
کار همچون صد مرا، اهمال مستوفی بس است

* * *

^۳ "ویال" در اینجا مراد از "مورد هدف" است و یا "مُصاب"
^۴ "اقوس": (بر وزن "ایلق") کلمه عربی و در معنای "منحنی" و "خمیده" - مأخوذ از "قوس"
^۵ الف. طبع من